

بسم ربنا الأقدس الأعظم العليّ الأبهى

امروز حمد و شکر مخصوص اولیاست یعنی نفوسی که برحیق مختوم رسیده و میرسند و از اجل محتوم نمیترسند جان را در سبیل مقصود عالمیان رایگان انفاق نموده اند نه از سطوت امرا خوفی و نه از ظلم علما ترسی بافصح بیان امام ادیان قد اتی الحقّ گفته اند سبحان الله حیرت اندر حیرتست که اعمالی که از عشاق زمان در این ظهور ظاهر شده عباد ارض پند نگرفته اند و متبّه نشده اند انصاف کجا رفته عدل چه شده آن یکی در حین شهادت هنیئاً لی گفته و دیگری به انفتت روحی لله ناطق و آخر در مقابل بیت بدست خود جان را نثار نمود ان تعدّوا شهداء الله فی هذا الظهور لا تحصوهم فی الحقیقه از احصا خارجست هر یک بشأنی جان داد که اهل ملاء اعلی فتبارک الله گفتند و اهل جنّت علیا به الجذب لله متکلم جلت عظمة ربنا لا اله الا هو المقتدر القدير

یا محبوب فؤادی نامۀ نامی رسید فرح مفقود را موجود نمود و سرور مکنون را بعرضه شهود آورد لله الحمد حامل بشارت صحّت آن محبوب بود و بعد از فرح و انبساط قصد بساط اعلی و مبدأ نشاط ارض و سماء نموده امام وجه مولی العالم عرض شد و باصفا فائز گشت و بعد لسان عظمت باین آیات متکلم قول الربّ تعالی و تقدّس

بسمی الناطق امام الوجوه

یا ایّها المذكور لدى المظلوم سمعنا ندائك و اجنباک بکلمة یجد منها کلّ حزب اعظم ما عنده بحيث یجد منه اهل الفرقان نفحات الرحمن و اهل الانجیل بیانات الجلیل و اصحاب التّوراة تغرّدات حماسة الأمر علی اعلی الأغصان و ملاء البیان ما تنجذب به الأفئدة و العقول كذلك اظهر امّ الكتاب بیانه و امّ البیان آیاته و البحر الأعظم امواجه و شمس الوجود جوده و اشراقه طوبی لنفس صعدت و سمعت و رأت ویل للغافلین قد كنتّ حاضراً لدى المظلوم و سمعت ندائه و عرفت انه ما اراد الا اصلاح العالم و تهذیب نفوس الأمم ولكنّ القوم اعرضوا عنه و انكروا ظهوره و ما ظهر من عنده بغیاً علی الله ربّ العرش العظیم تالله هذا یوم فيه اهتزّ الطور متبسماً لأنه فاز بمکلمه و السدرة تنادی بأعلی النداء قد اتی من انطقنی اتقوا الله یا قوم و لا تنكروا الذی به جرى فرات البیان فی الامکان و ماج بحر العرفان امام الأدیان انصفوا فی امر الله و ظهوره و لا تكونوا من الذین جادلوا بآياته و كفروا بنعمته و ارتكبوا ما ناح به کلّ عالم بصیر و کلّ عارف خبیر قل یا معشر البشر قد تزیّن المنظر الأكبر بمالك القدر و ظهر کلّ امر مستتر اقبلوا بوجه نورآء الی الأفق الأعلی و لا تتبعوا الذین انكروا حجّة الله و برهانه اذ اتی بأمر عظیم و سلطان مبین قد حضر العبد الحاضر بکتابک و عرضه امام الوجه انزلنا لك ما كان نعمتاً للأبرار و نوراً للأخيار و کوثر الحیوان للأحزاب نسأل الله ان یؤیّدهم علی الاقبال و یوفّقهم علی ما ینبغی لهذا الیوم المقدّس العزیز البدیع انک اذا اخذک جذب بیانی و سکر رحیق بیانی قل

الهی الهی نفسی لندائك الفداء و روحی لاقبالک الفداء و لذکرک الفداء قد اقبلت الی من شطر السّجن و ذکرتنی اذ كنت صامتاً عن ذکرک و نادیتنی اذ كنت راقداً اشهد ان رحمتک سقتنی و نور امرک احاطنی اسألک بأنوار ملکوتک و اسرار جبروتک و بالكلمة الّتی بها انجذبت افئدة عبادک و حقائق خلقک بحيث سرعوا الی مقرّ الفداء شوقاً للقائک و بالعنق الذی فاز

بجبل الأعداء في ارض الصاد اظهاراً لقدرتك و ابرازاً لانقطاعه عن دونك بأن تؤيد عبادك على الانصاف في امرک ثم وفقهم على خرق سبحات الأوهام التي منعتهم عن التقرب الى ساحة عزك و عن اصغاء ندائك الأحملي الذي ارتفع من قلمك الأعلى ای ربّ انا عبدک و ابن عبدک و ابن امتک اشهد بوحدايتک و فردايتک و بما انزلته في کتابک و اظهرته لارتقاء خلقک الى مقام قدرته لهم بجدوک و کرمتک ای ربّ اسألك بأن تکتب لي ما کتبه لأصفيائك الذين ما نقضوا عهدک و ميثاقک و ما منعتهم سطوة الملوک و ثروة المملوک عن النظر الى افکک و التمسک بحبلک انک انت المقتدر على ما تشاء لا اله الا انت الغفور الکریم انتهى

تبارک الله عجب ذکرى و نیکو وقتى حين ارتفاع ندای مالک اسماء و فاطر سماء ندای جميع اشياء مرتفع شد امواج بحر بیان بشأنى ظاهر که درياهاى عالم گویا کل گوش شدند از برای اصغا و همچنين اشجار آن عجب جذبی در این حين عالم را اخذ نموده گویا کلمات بدیعه روح بخشیده و جان تازه عطا نموده هر یک بشارتی ناطق و بکلمه نئی متکلم و لکن چه فائده خلق بی انصاف کل محروم و ممنوع آیا اگر از این امر اعظم بگذرند چه امری قابل تمسک است و اگر انکار نمایند چه امری لایق اقرار در هر حال دعا لازم است نه جفا چه که نزاع و جدال و فساد در این ظهور اعظم نهی شده نهیاً عظیمی فی کتاب ربنا رب العرش العظيم ای کاش بر مقصود حضرت مقصود عارف میگشتند جميع عباد را در جميع احوال بصبر و اصطبار امر فرموده اند و اولیا باین کلمه مبارکه بشأنى تمسک جستند که کشته میشوند و نمیکشند و بد میشوند و نمیگویند این بی انصافهاى عالم مطمئن شده اند و هر یوم وارد شده و میشود آنچه که عین عدل میگیرد نوری که سبب روشنی عالم است در اطفالش میکوشند و این سیفها و سنانها اگرچه در ظاهر باین عباد است و لکن در باطن بنفوس ظالمه راجع نسأل الله ان یعرف الکلّ ما منعوا عنه الیوم بالأوهام و الظنون انا لله و انا الیه راجعون

اینکه اظهار عجز و انکسار در ساحت اقدس نمودند بعد از عرض فرمودند قوله تبارک و تعالی این عجز و انکسار آن جناب نزد حقّ جلّ جلاله از عظمت و اقتدار صاحبان اقتدار اعظم و احبست طوبی للسانک انه نطق بالحقّ نسأل الله ان یقدر لک خیر الآخرة و الأولى و یکتب لک ما یتقی به ذکرک فی کلّ عالم من عوالمه انه هو المقتدر القدير یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید انتهى

ذکر جناب آقا میرزا اسدالله علیه بهاء الله را نمودند بعد از عرض امام عرش یک لوح اقدس مخصوص ایشان از یمین عرش نازل انشاء الله بان فائز شوند و از بحر بیان رحمن بیاشامند آنچه را که سرمست شده در انجمن عالم به الملك لله مالک الملکوت ناطق گردند این عبد تکبیر میرساند و از حقّ میطلبد توفیق عنایت فرماید فی الحقیقه ذکر آن محبوب از برای قلب فرحی است تازه و از برای سمع نغمه ایست جدید و از برای ادراک معینی است امین لله الحمد که آن محبوب فائز شدند بذکر و ثنا و توجه و محبت و اقبال انه هو المشفق الکریم و هو المؤید الحکیم

قره عین و فرح قلب لقمان علیه بهاء الرحمن را فرمودند یک لوح اقدس هم مخصوص ایشان از افق سماء برهان نازل امید آنکه در ظلّ عنایت حقّ جلّ جلاله تربیت شوند و بآنچه سبب بقا و ذکر ابدیست فائز گردند ذکرش فرح انگیز بود و این دلیل است بر عنایت و رحمت حقّ انّ الخادم یسأل ربه بان یقدر له ما هو خیر له انه هو المقتدر القدير خدمت دوستان آن ارض تکبیر میرسانم و آنچه سبب علو و سمو است از حقّ جلّ جلاله از برای هر یک میطلبم انه هو السامع المجیب

آخرین ویراستاری: ۳ مارس ۲۰۲۳، ساعت ۱:۰۰ بعد از ظهر